



رئیس قوه قضائیه:

### جرائم تروریست‌ها مشمول مرور زمان نمی‌شود

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه با تأکید بر اینکه پالس‌های غلط به آمریکا، پیام ملت ایران نیست، گفت: پیام ملت ایران، پیام ایستادگی فعال، تولید قدرت در حوزه امنیتی و اقتصادی و نمایش اقتدار در همه ابعاد است. ابراهیم رئیسی...

صفحه ۳

سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۹ | ۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ | ۱۷ نوامبر ۲۰۲۰

### تترها

دولت پذیرفت محدودیت‌های سخت‌را درکلان‌شهرهای کشور اجراکند
**وبالاخره تعطیلی**

صفحه ۱۳

گفت‌وگو با اصغر جمالی فرد ملقب به ابوحنیف
**اطلاعات محمد منتظری از امیرانتظام از کجا آمد؟**

صفحه ۲

چرا مجلس مصوبه یارانه کالاهای اساسی را بدون تأمین منبع مالی به شورای نگهبان فرستاد؟

## نمایش پوپولیستی

صفحه ۳

**ابومحمدالمصری فوتبال، القاعده و شایعه قتل در پاسداران**

صفحه ۱۵

**پنج ایرانی – آمریکایی در تیم انتقالی بایدن**

صفحه ۴

**تحصن‌ها و استعفا‌های نمایشی**

صفحه ۳

### حرف اول

**استاد شجریان؛ معلم عاشق**

**حسام‌الدین سراج**

نمی‌دانم چرا و چگونه یک انسان برگزیده می‌شود که قرار است حرف‌ها و رفتارهایی را در قالب آثار هنری دلنشین و کرداری خلاقانه به انسان‌های دیگر

بیاموزد. همیشه آوازهای استاد شجریان

برایم، اعجاب‌انگیز بوده است:

انتخاب شعر مناسب، تکنیک عالی، رنگ صدای دلنشین، ملودی کلام درست، تلفیق عالی و طراحی درست مضامین شعر در دستگاه که این امر در اغلب اوقات به‌صورت بداهه اتفاق می‌افتاد.

او در آواز ایرانی شاهکارهای بسیاری خلق کرده است که سالیان سال برای اهل دل و اهل ادب و هنر قابل استفاده خواهد بود.

لایه پنهان این آثار، انتخاب رندانه اشعار عبرت‌آموز و اعتراض‌آمیز بود.اگر شجریان نبود شاید حافظ و سعدی و مولانا و باباطاهر و نظامی و امثالهم آن‌گونه که می‌بایست امروز در دسترس نسل جدید باشد، نمی‌بود.من بسیاری از محفوظات ادبی خود را نظیر غزلیات حافظ و سعدی و مولانا، دوبیتی‌های باباطاهر و... مدیون ایشان هستم.

شجریان برگزیده بود. لطف و مهر خداوندی بسیار شامل حال وی بود. خداوند به او خنجره داوودی عطا کرده بود. هوش و خرد سرشار برای انتخاب درست و هوشمندانه مسیر، به او تفویض شده بود.

نمی‌گویم، شجریان، تافته جدابافته بود. نمی‌گویم، منجبی با پیشوای اجتماعی بود؛ اما شجریان، یک انسان وارسته، یک هنرمند فرهیخته، یک معلم عاشق، یک روایتگر خردمند و آوازخوان سوز و گداز مردمش بود. مردمی به متانت و وقار تاریخ ایران و به سختی و رنج نامردمی‌های زمان. او همیشه با مردم بود، برای مردم خواند و نهایت تلاشش، بیداری مردم بود. هنرمندی که عاشقانه معلمی کرد. وجه فعالیت اجتماعی او در حمایت از هنر حقیقی و اعتلا و اشاعه آن بسیار قابل توجه و بااهمیت است، به‌نحوی‌که می‌توان گفت بخش عمده‌ای از موفقیت او در جلب و جذب دل‌هاست؛ ازاین‌رو و به دلایل فراوان دیگر شجریان استاد بود و لقب استاد برانزده وجودش بود و خسرو آواز ایران شد. خداوند مهرآفرین مهر او را در دل مردم نهاد.ا وقتی که از عشق و حکمت و عرفان و اتحاد می‌خواند، به گوش جان نبیوشند، استاد محمدرضا شجریان پدیده قرن معاصر بود، باشد که آثار او را چون گل‌های بهاری هر روز با صفا و با طراوت بیشتر بشنوم و از آن درس مهر و معرفت و زیبایی بیاموزم.

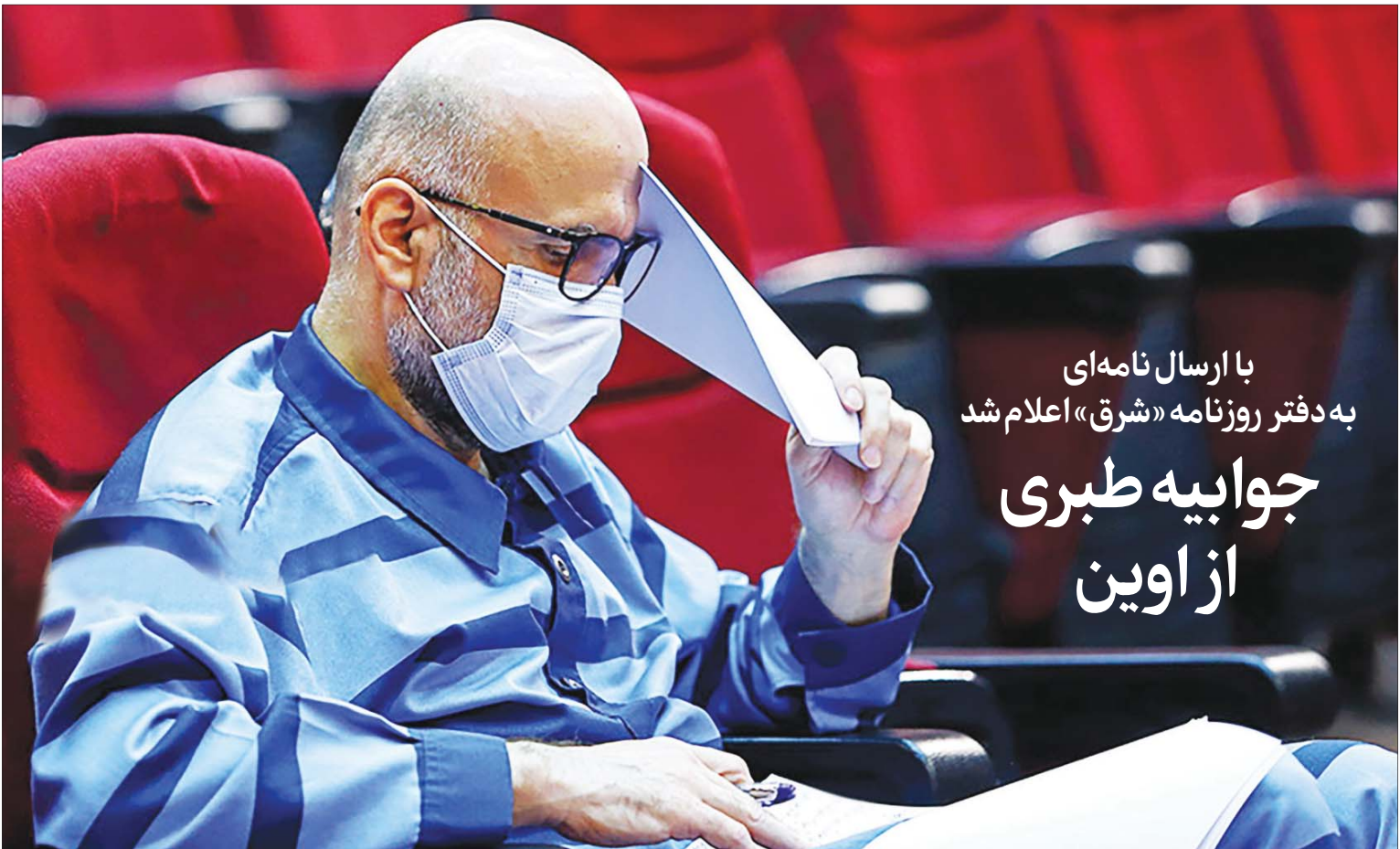
ادامه در صفحه ۴



واکاوی استعفا‌ی غیرمنتظره هشتمین رئیس سازمان خصوصی‌سازی

# پای چهار درصدی‌ها در میان است؟

صفحه ۵



صفحه ۱۳

**با ارسال نامه‌ای به دفتر روزنامه «شرق» اعلام شد**

## جوابیه طبری از اوین

عکس: علی شیریند، میزبان

### یادداشت

**یک مملکت، دو ملت**



**وحید عابدینی پژوهشگر مسائل بین‌الملل**

نیستند و شباهت سیاست‌های هر دو حزب مانع برگزاری انتخابات رقابتی می‌شود.

**ورود سایه‌پوستان به معادله انتخابات**

تا همین چند دهه پیش در حزب جمهوری‌خواه جناح لیبرال وجود داشت و افرادی نظیر جورج رامنی از حقوق مدنی بیشتر و پیشروتر دفاع می‌کردند و از ایفای نقش بیشتر دولت برای حل مشکلات اجتماعی، خدمات بهداشتی و بیمه‌های بی‌کاری حمایت می‌کنند. در مقابل در حزب دموکرات هم جریانی مانند دیکسیکرات (دموکرات‌های جنوبی) وجود داشت که عقاید به‌شدت مذهبی و محافظه‌کارانه داشتند. اما در دهه‌های اخیر به مرور تمایز هر دو حزب بیشتر شده است. درحالی‌که به‌طور تاریخی رای‌دهندگان محافظه‌کار ساکن ایالت‌های جنوبی به دموکرات‌ها رای می‌دادند، پس از تصویب لایحه حقوق مدنی و قانون حق رای در سال ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ که تبعیض نژادی در حزب دموکرات انتخابات را ممنوع می‌کرد، این روند تغییر کرد. ورود سایه‌پوستان به معادله انتخابات تغییر مهمی در دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات ایجاد کرد. پس از ورود تدریجی سایه‌پوستان به حزب دموکرات، سفیدپوستان جنوب آمریکا به مرور از امری بی‌سابقه بود. این افزایش بی‌سابقه مشارکت در انتخابات نشان‌دهنده پدیده‌ای مهم در جامعه آمریکاست. به‌خصوص اینکه این مشارکت بالا در شرایطی اتفاق افتاد که نه ترامپ و نه بایدن واجد عناصر محبوبیت‌ساز نبودند. عملکرد هر دو به‌عنوان رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور انتخاباتی را در بخش‌هایی از جامعه آمریکا به دنبال داشت. بنابراین می‌توان از یک منظر موتور محرک این انتخابات را نه عشق به کاندیدای خودی بلکه نفرت از کاندیدای مقابل دانست. درواقع هم طرفداران حزب جمهوری‌خواه که به دونالد ترامپ رای دادند و هم طرفداران حزب دموکرات که به جو بایدن رای دادند، بیشتر از «بغض دیگری» رای خود را به صندوق انداختند. آنها فقط می‌خواستند کاندیدای حزب دیگر به قدرت نرسد. بنابراین این فضای دوقطبی منجر به مشارکت بی‌سابقه در انتخابات شد.هرچند جنگ‌های داخلی آمریکا نشان می‌دهد که این کشور با فضای دوقطبی بیگانه نیست ولی در یک قرن گذشته هیچ زمانی از منظر تضادهای اجتماعی و سیاسی شبیه امروز آمریکا نبوده است. در دهه ۵۰ آمریکا دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات آن‌قدر به هم شباهت داشتند که بسیاری از کارشناسان معتقد بودند این اندازه شباهت زینده دموکراسی آمریکا نیست؛ چراکه عملا شهروندان با دو گزینه متفاوت روبه‌رو

حزب را تغییر دهند.

ادامه در صفحه ۷

### یادداشت

**تبیین تئوریک از جنگ ایران و عراق؛ با کدام مفهوم و روش؟**



**محمد درودیان**

چگونه سیاست‌گذاری جنگی می‌تواند در واکنش به «رخدادها و اتفاق‌های جاری زمان» و بدون ابتنا به قدرت نظامی، برای تأمین اهداف سیاسی اتخاذ شود؟

۲- با توجه به آنچه در عنوان این‌ مقاله و در پرسش‌ها آمده است، نویسنده با درنظرگرفتن عنصر زمان، به‌عنوان مشخصه جنگ‌های مدرن، بدون این توضیح که آیا «جنگ غیرکلاسیک» جنگ مدرن است یا خیر، در نظر دارد دو مسئله شامل تعامل و تعارض آرمان-واقعیت و تعارض جنگ غیرکلاسیک با دیوان‌سالاری جنگی را مورد نقد و بررسی قرار دهد. با نظر به پیچیدگی این بحث، میزان توانمندی و موفقیت نویسنده در تبیین تئوریک از جنگ و پردازش ابعاد سیاسی آن را باید در میزان انطباق مفهوم سیاست‌گذاری جنگی با واقعیات تاریخی-راهبردی جنگ، برای توضیح منطق شکل‌گیری تعارضات میان آرمان با واقعیت و جنگ غیرکلاسیک با دیوان‌سالاری جنگی، مورد ارزیابی قرار داد. در ادامه نقد مقاله جناب دکتر اشتریان در پاسخ به این پرسش انجام خواهد شد که آیا با نظریه سیاست‌گذاری جنگی و نادیدگرفتن برخی از واقعیات تاریخی و راهبردی جنگ ایران و عراق، می‌توان علت پیدایش تعارضات دوگانه را توضیح داد و «بنیانی‌تئوریک برای مطالعه سیاست‌گذاری جنگی را در یک مدل آرمان‌گرا»، پی‌ریزی کرد؟

۳- طبق نظر نویسنده «جنگ، به‌عنوان عریان‌ترین شکل مبارزه سیاسی، بیش از هر عمل سیاسی دیگری مستلزم انتخاب و خلق فرصت‌ها و نهایتاً تصمیم‌گیری‌هاست». به باور نویسنده «آنچه می‌تواند نام تصمیم به خود بگیرد، مستلزم وجود گزینه‌های متفاوت و ضرورت انتخاب است. بنابراین عملی‌که انجام آن طبق ضوابط و مقررات خاص از پیش تعیین شده است، تصمیم نیست، بلکه تطبیق و اجرای تصمیم‌های از پیش تعیین‌شده است». نویسنده نسبت زمان و خلق فرصت برای تصمیم‌گیری را یکی از اساسی‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری جنگی ذکر کرده و می‌نویسد: «زمان، بستر خلق فرصت‌ها و استفاده از آنهاست. خلق فرصت‌ها برای اخذ تصمیم در زمان مناسب، یکی از اساسی‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری جنگی است». با نظر به توضیحات نویسنده درباره نسبت زمان با خلق فرصت‌ها «در زمان» و ایده‌های مسلط و تجربیات تاریخی، دستگاه سیاست‌گذاری جنگی (ساختار ذهنی) سیاست‌گذاران را تشکیل می‌دهد. نویسنده در این تعریف از مؤلفه‌های سیاست‌گذاری جنگی، درباره منطق حاکم بر سیاست‌گذاری جنگی که در نظریه کلاوزویتس، در نسبت با قدرت نظامی قرار می‌گیرد، توضیحی نداده است و روشن نیست

ادامه در صفحه ۸

تیم انتقالی ۲۳ نفره جوبایدن برای بازسازی پنتاگون

### پایان باز جنگ‌های ابدی

گروه جهان: «زمان پایان‌دادن به جنگ‌های ابدی که تاوان انسانی و مالی زیادی برای ما داشته، مدت‌هاست که گذشته است». جو بایدن، رئیس‌جمهوری منتخب ایالات متحده، در اولین سخنرانی خود به‌عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری...

صفحه ۶

سال هجدهم | شماره ۳۸۶۶ | ۱۶ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

### سرمقاله

**چالش‌های احیای برجام در دوره بایدن**

**جاوید قربان‌اوغلی**، دیپلمات بازنشته



با وجود تلاش‌های پوپولیستی و اقدامات حقوقی وکلای ترامپ برای تأثیرگذاری و تغییر نتیجه انتخابات اخیر آمریکا، نهایتاً او با تسلیم در مقابل روندهای استوار و نظام قانون‌مند آمریکا، شکست را پذیرفت و به این ترتیب بایدن در روز ۲۰ ژانویه سال آینده مسیحی سکان‌دار سیاست در این کشور خواهد بود. بسیاری از کشورهای جهان از اولین روزهای اعلام پیروزی کاندیدای حزب دموکرات، به انحاء مختلف خرسندی خود را از کناررفتن ترامپ ابراز کردند. از منظر بسیاری از رهبران جهان و با وجود تفاوت‌های زیاد در شکل و شیوه حکومت و نظام سیاسی، ترامپ پدیده‌ای شگفت در مدیریت ثروتمندترین و قدرتمندترین کشور جهان بود.اروپا در شش دهه گذشته پس از پایان جنگ دوم جهانی و تا قبل از روی‌کارآمدن ترامپ در سال ۲۰۱۶، با وجود تغییرات سfid روزشماری می‌کرد.با وجود مشابهت‌های دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در سیاست‌های کلان آمریکا، طبق وعده‌های بایدن در کمپین انتخاباتی‌اش و همچنین سند کنوانسیون ۲۰۲۰ حزب دموکرات که امروز «بایدن-هریس» آن را نمایندگی می‌کنند، اولویت‌های این حزب بازسازی روابط با متحدان، چندجانبه‌گرایی، عدم اشاعه هسته‌ای، تروریسم، دموکراسی و حقوق بشر است و شالوده اصلی سیاست‌های آمریکا در حداقل چهار سال آینده را تشکیل خواهد داد. بر همین اساس و منتج از وعده‌های بایدن، پیش‌بینی اینکه با ورود بایدن به کاخ سفید، تغییرات وسیعی در سیاست‌های چهار سال گذشته آمریکا صورت گیرد، کار چندان دشواری نیست، بایدن پس از ورود به کاخ سفید به‌دست‌گرفتن زمام امور، بسیاری از فرامین ریاستی ترامپ را لغو خواهد کرد، به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی که آمریکا در دوره چهارساله ترامپ از آن خارج شده، باز خواهد گشت و در رویکردهای آمریکا در سیاست‌های منطقه‌ای تجدید نظر خواهد کرد.از همان اولین روز و ساعات نمایان‌شدن پیروزی بایدن، رهبران کشورهای جهان ضمن استقبال از این رویداد، کشور خود را برای آغاز روندی جدید در مناسبات سیاسی و اقتصادی با آمریکا آماده کردند.این روند حتی درباره رهبرانی مانند نخست‌وزیر اسرائیل که از قوی‌ترین روابط سیاسی و تخصصی با ترامپ برخوردار بود، مصداق داشت و چنانچه ملاحظه کردیم، نتایجاًو از اولین کسانی بود که پیروزی بایدن را تبریک گفت. کماینکه عربستان سعودی، امارات متحده عربی و... که بیشترین انتفاع از دوره چهارساله ترامپ نصیب کشورهیاشان شده بود، نیز از این قاعده مستثنا نبودند. دلیل این امر هم روشن است و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جهان تبدیل شده‌بود. تردیدی نیست با کشورهای جهان است. ظاهراً تنها کشوری که از این قاعده مستثناست و بدون درنظرگرفتن تحولات شگرف سیاسی و اقتصادی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پایان جنگ سرد و شکل‌گیری شکل جدیدی از مناسبات سیاسی در جهان، همچنان از دریچه دوران «جنگ سرد» به جهان نگریسته، جمهوری اسلامی ایران است، طرفه آنکه حتی روسیه و چین نیز که رقیب و طرف اصلی مناقشات بلوک‌های سیاسی «شرق و غرب» و اتحادیه‌های نظامی ورشو و ناتو بودند، قواعد دوران جنگ سرد را کنار گذاشته‌اند و چنانچه ملاحظه می‌شود چین با حفظ ساختارهای سیاسی و حاکمیت علی‌الاطلاق حزب کمونیست، با تغییر رویکرد در قوانین و مناسبات اقتصادی خود با جهان، کام‌های بلندی را در تبدیل‌شدن به دومین قدرت اقتصادی جهان برداشته و دور از ذهن نیست که قبل از پایان این دهه آمریکا را هم پشت سر گذاشته و به اولین قدرت اقتصادی جهان تبدیل شده‌بود. تردیدی نیست که کشورمان شدیدترین آسیب‌ها را در تمام زمینه‌ها از دوره چهارساله اخیر دید. شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و به تأیید متخصصان و کنشگران تجاری کشورمان تحریم‌های هدفمند و هوشمند دوره ترامپ حتی به مراتب بسیار سهمگین‌تر از تحریم‌های منتج از قطع‌نامه‌های هسته‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد بود.

ادامه در صفحه ۴